

متن پرسش

سلام استاد: احوال عجیبی است وقتی من و امثال من به آقای رئیسی رای دادیم اما ارادت خاصی بهش نداریم، نقد هم داریم فقط میدونیم کارهای خوبی کرده، از عصری که گفتند گم شده هول عجیبی پیدا کردم شب شاید دو ساعت خوابیدم همش منتظر خبر بودم خدا می‌داند بعد از شنیدن خبر شهادتشان تا چند روز چه به من گذشت. این چه احوالیست؟ چرا قبل اینکه ایشان دچار این سانحه بشند، چنین ارادتی نسبت به ایشان نداشتیم؟ اگر تلویزیون بیشتر از خدمات ایشان می‌گفت یا به نحوی مطلع می‌شدیم این حال بی تفاوتی قبل شهادت باز هم بود؟ یکدفعه چه رخداد که خبر مفقود شدنشون اینقدر منقلبمون کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده این‌طور نوشتم: کجا است آن قلمی که گزارشگر قلب‌هایی باشد که در این دروان حقیقتاً متوجه نظر به حقیقت‌اند، در آینه شخصیت مردی که وقتی در آن صبح، خبر شهادت او را دادند؛ صبح بیداری وجدان‌هایی شد که از داشتن آن غافل بودیم؟! داشته‌هایی که تنها در نسبت با انسان‌های بزرگ و معنوی آشکار می‌شود. انسان‌هایی که اشاره به حقیقت دارند. آری! حقیقتی که تنها در آینه‌ها ظهور می‌کند و ما فهمیدیم وعده «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» چه وعده‌ای است و خبر از چه می‌دهد. آیا شهید ابراهیم رئیسی بزرگ حکایتی از حکایت‌های حقیقت این دوران نبود و نیست؟! و آیا حکایت «باز شهید رئیسی» از او به گوش نمی‌رسد؟! گویا وجدان‌های تاریخی مردم ما متوجه کسی بود که این‌چنین باشد که شهید آیت الله رئیسی بود و با خبر شهادتش معلوم شد آنچه ما در این تاریخ در پی او بودیم، کسی جز آن مرد نبود و حال مائیم و راهی که با آن شهید پیدا شد. موفق باشید